

علی (ع)، واسطه بین خدا و مردم

علی (ع)، واسطه بین خدا و مردم



حضرت رسول (ص) به حضرت علی(ع) فرمودند: ای علی، تو از من و من از توام. گوشت تو با گوشت من و خون تو با خون من مخلوط شده است. تو سبب بین خدا و خلق او بعد از من هستی. هر کس ولایت تو را انکار کند رابطه ای که بین او و خداوند است ، قطع می شود و به درجات پائین جهنم می رود .حضرت علی (ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم اند . پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف می باشد . خاندان هاشمی از لحاظ فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب، زبانزد خاص و عام بوده است . فتوت ، مروت ، شجاعت و بسیاری از فضایل دیگر اختصاص به بنی هاشم داشته است. یک از این فضیلتها در مرتبه عالی در وجود مبارک حضرت علی (ع) موجود بوده است . فاطمه دختر اسد به هنگام درد زایمان راه مسجدالحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت : خداوند! به تو و پیامبران و

کتابهایی که از طرف تو نازل شده اند و نیز به سخن جدم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم . پرودگارا ! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت ، و به حق کودکی که در رحم من است ، تولد این کودک را بر من آسان فرما ! لحظه ای نگذشت که دیوار جنوب شرقی کعبه در برابر دیدگان عباس بن عبدالمطلب و یزید بن تعف شکافته شد. فاطمه وارد کعبه شد ، و دیوار به هم پیوست . فاطمه تا سه روز در شریفترین مکان گیتی مهمان خدا بود . و نوزاد خویش را سه روز پس از سیزدهم رجب سی ام عام الفیل به دنیا آورد . دختر اسد از همان شکاف دیوار که دوباره گشوده شده بود بیرون آمد و گفت : پیامی از غیب شنیدم که نامش را علی بگذار .

دوران کودکی

حضرت علی (ع) تا سه سالگی نزد پدر و مادرش بسر برد و از آنجا که خداوند می خواست ایشان به کمالات بیشتری نائل آید ، پیامبر اکرم (ص) وی را از بدو تولد تحت تربیت غیر مستقیم خود قرار داد . تا آنکه ، خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد . ابوطالب عموی پیامبر، با چند فرزند با هزینه سنگین زندگی روبرو شد . رسول اکرم (ص) با مشورت عموی خود عباس توافق کردند که هر یک از آنان فرزندی از ابوطالب را به نزد خود ببرند تا گشایشی در کار ابوطالب باشد. عباس ، جعفر را و پیامبر (ص) ، علی (ع) را به خانه خود بردند . به این طریق حضرت علی (ع) به طور کامل در کنار پیامبر قرار گرفت . علی (ع) آنچنان با پیامبر (ص) همراه بود ، حتی هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را نیز همراه خود می برد . بعثت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) شکی نیست که سبقت در کارهای خیر نوعی امتیاز و فضیلت است . و خداوند در آیات بسیاری بندگان را به انجام آنها ، و سبقت گرفتن بر یکدیگر دعوت فرموده است . از فضایل حضرت علی (ع) است که او نخستین فرد ایمان آورنده به پیامبر (ص) باشند . ابن ابی الحدید در این باره می گوید : بدان که در میان اکابر و بزرگان و متکلمین گروه معتزله اختلافی نیست که علی بن ابیطالب نخستین فردی است که به اسلام ایمان آورده و پیامبر خدا را تایید کرده است .

حضرت علی (ع) نخستین یاور پیامبر (ص)

پس از وحی خدا و برگزیده شدن حضرت محمد (ص) به پیامبری و سه سال دعوت مخفیانه ، سرانجام پیک وحی فرا رسید و فرمان دعوت همگانی داده شد . در این میان تنها حضرت علی (ع) مجری طرحهای پیامبر (ص) در دعوت الهیش و تنها همراه و دلسوز آن حضرت در ضیافتی بود که وی برای آشناکردن خویشاوندانش با اسلام و دعوتشان به دین خدا ترتیب داد . در همین ضیافت پیامبر (ص) از حاضران سؤال کرد : چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد ؟ فقط علی (ع) پاسخ داد : ای پیامبر خدا ! من تو را در این راه یاری می کنم پیامبر (ص) بعد از سه بار تکرار سؤال و شنیدن همان جواب فرمود : ای خویشاوندان و بستگان من ، بدانید که علی (ع) برادر و وصی و خلیفه پس از من در میان شماست . از افتخارات دیگر حضرت علی (ع) این است که با شجاعت کامل برای خنثی کردن توطئه مشرکان مبنی بر قتل رسول خدا (ص) در بستر ایشان خوابید و زمینه هجرت پیامبر (ص) را آماده ساخت .

حضرت علی (ع) بعد از هجرت

بعد از هجرت حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) به مدینه دو نمونه از فضایل علی (ع) را بیان می نمایم

۱- جانبازی و فداکاری در میدان جهاد : حضور وی در ۲۶ غزوه از ۲۷ غزوه پیامبر (ص) و شرکت در سریه های مختلف از افتخارات و فضایل آن حضرت است.

۲- ضبط و کتابت وحی (قرآن) کتابت وحی و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی و دعوتی از کارهای حساس و پراحام امام (ع) بود . ایشان آیات قرآن چه مکی و چه مدنی ، را ضبط می کرد . به همین علت است که وی را از کاتبان وحی و حافظان قرآن به شمار می آورند . در این دوران بود که پیامبر (ص) فرمان اخوت و برادری مسلمانان را صادر فرمود و با حضرت علی (ع) پیمان برادری و اخوت بست و به حضرت علی (ع) فرمود : تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی . به خدایی که مرا به حق برانگیخته است ... تو را به برادری خود انتخاب می کنم ، اخوتی که دامنه آن هر دو جهان را فرا گیرد . حضرت علی (ع) داماد رسول اکرم (ص) عمر و ابوبکر با مشورت با سعد معاذ رئیس قبیله اوس دریافتند جز علی (ع) کسی شایستگی زهرا (س) را ندارد . لذا هنگامی که علی (ع) در میان نخلهای باغ یکی از انصار مشغول آبیاری بود موضوع را با ایشان در میان نهادند و ایشان فرمود : دختر پیامبر (ص) مورد میل و علاقه من است . و به سوی خانه رسول به راه افتاد . وقتی به حضور رسول اکرم (ص) رسید ، عظمت محضر پیامبر (ص) مانع از آن شد که سخنی بگوید ، تا اینکه رسول اکرم (ص) علت رجوع ایشان را جویا شد و حضرت علی (ع) با تکیه به فضایل و تقوا و سوابق درخشان خود در اسلام فرمود : آیا صلاح می دانید که فاطمه را در عقد من درآورید ؟ پس از موافقت حضرت زهرا (س) آن حضرت به دامادی رسول اکرم (ص) نائل آمدند .

غدير خم

پیامبر (ص) بعد از اتمام مراسم حج در آخرین سال عمر پربرکتش در راه برگشت در محلی به نام غدیرخم در نزدیکی جحفه دستور توقف داد ، زیرا پیک وحی فرمان داده بود که پیامبر (ص) باید رسالتش را به اتمام برساند . پس از نماز ظهر پیامبر (ص) بر بالای منبری از جهاز شتران رفت و فرمود : ای مردم ! نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم درباره من چه فکر می کنید ؟ مردم گفتند : گواهی می دهیم که تو آیین خدا را تبلیغ می کردی پیامبر فرمود : آیا شما گواهی نمی دهید که جز خدای یگانه ، خدایی نیست و محمد بنده خدا و پیامبر اوست ؟ مردم گفتند : آری ، گواهی می دهیم . سپس پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را بالا گرفت و فرمود : ای مردم ! در نزد مؤمنان سزاوارتر از خودشان کیست ؟ مردم گفتند : خداوند و پیامبر او بهتر می دانند . سپس پیامبر فرمود : ای مردم ! هر کس من مولا و رهبر او هستم ، علی هم مولا و رهبر اوست . و این جمله را سه بار تکرار فرمودند . بعد مردم این انتخاب را به

حضرت علی (ع) تبریک گفتند و با وی بیعت نمودند .

علی (ع) واسطه بین خدا و مردم

حضرت رسول (ص) به حضرت علی(ع) فرمودند: ای علی، تو از من و من از توام. گوشت تو با گوشت من و خون تو با خون من مخلوط شده است. تو سبب بین خدا و خلق او بعد از من هستی هر کس ولایت تو را انکار کند رابطه ای که بین او و خداوند است قطع می شود و به درجات پائین جهنم می رود .

ای علی، شناخته نشد خداوند جز با من و سپس به وسیله تو. هر کس ولایت تو را انکار کند ربوبیت پروردگار را انکار کرده است(۱)

حضرت علی (ع) بعد از رحلت رسول اکرم (ص)

پس از رحلت رسول اکرم (ص) به علت شرایط خاصی که بوجود آمده بود ، حضرت علی (ع) از صحنه اجتماع کناره گرفت و سکوت اختیار کرد. نه در جهادی شرکت می کرد و نه در اجتماع به طور رسمی سخن می گفت . شمشیر در نیام کرد و به وظایف فردی و سازندگی افراد می پرداخت . فعالیتهای امام در این دوران به طور خلاصه اینگونه است :

۱ –عبادت خدا آنهم در شان حضرت علی (ع)

۲ –تفسیر قرآن و حل مسائل دینی و فتوای حکم حوادثی که در طول ۲۳سال زندگی پیامبر (ص) مشابه نداشت .

۳ –پاسخ به پرسشهای دانشمندان ملل و شهرهای دیگر .

۴ –بیان حکم بسیاری از رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت .

۵ –حل مسائل هنگامی که دستگاه خلافت در مسائل سیاسی و پاره ای از مشکلات با بن بست روبرو می شد .

۶ –تربیت و پرورش گروهی که از ضمیر پاک و روح آماده ، برای سیر و سلوک برخوردار هستند .

۷ –کار و کوشش برای تامین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان تا آنجا که با دست خویش باغ احداث می کرد و قنات استخراج می نمود و سپس آنها را در راه خدا وقف می نمود .

خلافت حضرت علی (ع)

در زمان خلافت حضرت علی (ع) جنگهای فراوانی رخ داد از جمله صفین ، جمل و نهروان که هر یک پیامدهای خاصی به دنبال داشت .

شهادت امام علی (ع)

بعد از جنگ نهروان و سرکوب خوارج برخی از خوارج از جمله عبدالرحمان بن ملجم مرادی ، و برک بن عبدالله تمیمی و عمرو بن بکر تمیمی در یکی از شبها گرد هم آمدند و اوضاع آن روز و خونریزی ها و جنگهای داخلی را بررسی کردند و از نهروان و کشتگان خود یاد کردند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که باعث این خونریزی و برادرکشی حضرت علی (ع) و معاویه و عمروعاص است . و اگر این سه نفر از میان برداشته شوند ، مسلمانان تکلیف خود را خواهنددانست . سپس با هم پیمان بستند که هر یک از آنان متعهد کشتن یکی از سه نفر گردد . ابن ملجم متعهد قتل امام علی (ع) شد و در شب نوزدهم ماه رمضان همراه چند نفر در مسجد کوفه نشستند . آن شب حضرت علی (ع) در خانه دخترش مهمان بودند و از واقعه مسیح با خبر بودند ، وقتی موضوع را با دخترش در میان نهاد ، ام کلثوم گفت : فردا جعهه را به مسجد بفرستید . حضرت علی (ع) فرمود : از قضای الهی نمی توان گریخت . آنگاه کمر بند خود را محکم بست و در حالی که این دو بیت را زمزمه می کرد عازم مسجد شد . کمر خود را برای مرگ محکم ببند ، زیرا مرگ تو را ملاقات خواهدکرد . و از مرگ ، آنگاه که به سرای تو درآید . جزع و فریاد مکن ابن ملجم ، در حالی که حضرت علی (ع) در سجده بودند ، ضربتی بر فرق مبارک خون از سر حضرتش در محراب جاری شد و محاسن آن حضرت وارد ساخت . شریفش را رنگین کرد . در این حال آن حضرت فرمود : فزت و رب الکعبه به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم سپس آیه ۵۵سوره طه را تلولوت فرمود : شما را از خاک آفریدیم و در آن بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم . حضرت علی (ع) در واپسین لحظات زندگی نیز به فکر صلاح و سعادت مردم بود و به فرزندان و بستگان و تمام مسلمانان چنین وصیت فرمود : شما را به پرهیزکاری سفارش می کنم و به اینکه کارهای خود را منظم کنید و اینکه همواره در فکر اصلاح بین مسلمانان باشید . یتیمان را فراموش نکنید ، حقوق همسایگان را مراعات کنید . قرآن را برنامه ی عملی خود قرار دهید . نماز را بسیار گرامی بدارید که ستون دین شماس . حضرت علی (ع) در ۲۱ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد ، و مزارش میعادگاه عاشقان حق و حقیقت شد .

لینک مطلب در سایت : [Http://www.tbzmed.ac.ir/?MID=21&Type=News&id=665](http://www.tbzmed.ac.ir/?MID=21&Type=News&id=665)